

## بررسی و تحلیل ویژگی ها و خصایص جنگ نرم با نگاهی به آثار و پیامدهای آن بر امنیت اجتماعی در جوامع اسلامی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۲/۱۱، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۴/۱۶)

سروان حسین رادمهر<sup>۱</sup>

سرهنگ دکتر محمد جعفری

### چکیده

جامع ترین تعریف از جنگ نرم این است هر حرکتی که احیاناً به عنوان مقدمه ی جنگ نظامی مطرح می شود و روحیه ی طرف مقابل را هدف گرفته است " بنابراین تمام برنامه ریزی هایی که در این چارچوب باشد، جنگ نرم تعریف می شود. مفهوم جنگ نرم که در برابر جنگ سخت به کار می رود، دارای تعریف واحدی نیست که مورد پذیرش همگان باشد، و تلقی و برداشت افراد، جریان ها و دولت های گوناگون از جنگ نرم تا حدی متفاوت است. در تهدیدات جنگ نرم تلاش خواهد شد تا رویه های مقاومت گرایانه به تدریج مورد تردید و بازنگری قرار گیرند و جوامع نسبت به استمرار این رویکردها اظهار نگرانی نمایند که مبادا مورد تهاجم دشمن واقع شوند. این جریان خود یک نوع عملیات روانی است که در آن به رغم عدم استفاده از تسلیحات نظامی، کشوری می تواند کشور دیگر را با چالش ها و بحران های متعدد مواجه سازد. در مقاله حاضر قصد داریم به بررسی و تحلیل ویژگی ها و خصایص جنگ نرم با نگاهی به آثار و پیامدهای آن بر امنیت اجتماعی در جوامع اسلامی بپردازیم. روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع تحلیلی- توصیفی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات و داده ها فیش برداری می باشد.

**واژگان کلیدی:** جنگ نرم، جامعه اسلامی، امنیت اجتماعی، جوامع اسلامی، دشمن ستیزی

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول

## بخش اول: کلیات

انسان ها همیشه در معرض جنگ قرار دارند اما نوع جنگ ها متفاوت بوده لذا در ادبیات سیاسی کنونی جنگ را به سه نوع تقسیم کرده اند. جنگ سخت (جنگ نظامی) جنگ های نیمه سخت (اقدامات اطلاعاتی و امنیتی) جنگ نرم (اقدامات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، رسانه ای و...) هدف از جنگ تأثیرگذاری بر اراده، اعتقادات، افکار و احساسات مخاطبین به منظور انهدام یا به تسلیم کشاندن جامعه هدف است. نقطه اشتراک همه تهدیدات، تحمیل اراده به دشمن است. و تفاوت های جنگ، در نوع طرح ریزی و به کارگیری شیوه ها، امکانات، تجهیزات، موقعیت و وضعیت حاکم است. جنگ می تواند سخت باشد تا با استفاده از توان فیزیکی (لشکرکشی، اشغال خاک و زمین، نابودی و کشتن انسان ها و ویرانی زیر بناها و مراکز اقتصادی) اجرا شود و یا می تواند با تکیه بر روش های غیر نظامی همچون اقدامات سیاسی، روانی، رسانه ای، اقتصادی، اجتماعی و در مفهوم کلان؛ یعنی فرهنگی با بهره گیری قدرت نرم برای تأثیرگذاری بر دشمن انجام گیرد. بنابراین جنگ نرم را می توان به مجموعه وسیعی از نظریه ها، مولفه ها، شاخص های تبیین و تئوریزه شده دشمن، از یک سو به عنوان زمینه های ایجاد و بستر سازی برای انواع اقدامات و فعالیت های وسیع فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... و از سوی دیگر اقدامات و فعالیت های متعدد در صحنه های مختلف کشور هدف، برای تأثیرگذاری بر اراده، افکار، احساسات و اعتقادات مخاطبین عنوان نمود. یا در نگاهی دیگر می توان گفت در جنگ نرم دشمن با ذهن و قلب مخاطب سروکار دارد و سعی در تسخیر قلب ها و اذهان مخاطبین می باشند. مهم ترین حوزه ی اعمال و تأثیرگذاری قدرت نرم بر طرف مقابل، حوزه ی رسانه است. بهره گیری از رسانه ها و امکاناتی که فرد را قادر می سازد تا برای تأثیرگذاری بر طرف مقابل، به اعمال قدرت بپردازد. جان کالینز،

تئوریسین دانشگاه ملی جنگ آمریکا، جنگ نرم را عبارت از «استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شود» می‌داند. (جان. ام. کالینز، ۱۳۷۰، ص ۴۸۷) ارتش ایالات متحده همچنین در آیین رزمی خود آن را بدین صورت تعریف نموده است: «جنگ نرم، استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی است که منظور اصلی آن تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی طرف و یا گروه‌های دوست است به نحوی که برای برآوردن مقاصد و اهداف ملی پشتیبان باشد». با عنایت به تعاریف فوق، معروف‌ترین تعریف را به جوزف نای، پژوهشگر برجسته آمریکایی در حوزه «جنگ نرم» نسبت می‌دهند. وی در سال ۱۹۹۰ میلادی در مجله «سیاست خارجی» شماره ۸۰، قدرت نرم را «توانایی شکل‌دهی ترجیحات دیگران» تعریف کرد. تعریفی که قبل از وی پروفیسور حمید مولانا در سال ۱۹۸۶ در کتاب «اطلاعات و ارتباطات جهانی؛ مرزهای نو در روابط بین‌الملل» به آن اشاره کرده بود. با این وجود مهمترین کتاب در حوزه جنگ نرم را جوزف نای در سال ۲۰۰۴، تحت عنوان «قدرت نرم؛ ابزاری برای موفقیت در سیاست جهانی» منتشر نمود. بنابراین جنگ نرم را می‌توان هرگونه اقدام نرم، روانی و تبلیغات رسانه‌ای که جامعه هدف را نشانه گرفته و بدون درگیری و استفاده از زور و اجبار به انفعال و شکست وا می‌دارد. جنگ روانی، جنگ سفید، جنگ رسانه‌ای، عملیات روانی، براندازی نرم، انقلاب نرم، انقلاب مخملی، انقلاب رنگی و... از اشکال جنگ نرم است. نگاهی به گذشته‌ی جنگ نرم نیز نشان می‌دهد که در طول تاریخ بشر، از همان ابتدا که جنگ سخت آغاز شد، عملیات روانی یا جنگ نرم نیز صورت می‌گرفته تا از شورش‌هایی که در مناطق تسخیر شده به وجود می‌آمده، جلوگیری شود. زمانی که چنگیزخان قصد حمله به منطقه‌ای را داشت، موجی از

هراس در آن کشور پخش می شد. تجاری که از مناطق تحت کنترل چنگیز خان می آمدند، برای دیگران تعریف می کردند که او چگونه با مردم برخورد می کند و کشتارها به چه صورت است و اگر شخصی مقاومت کند، نابود می شود. بدین ترتیب پیش از ورود چنگیز خان به هر منطقه، روحیه ی مردم شکسته شده بود. رومیان و یا اسکندر از مناطقی که در جنگ ها عبور می کردند، خودها و زره های بزرگی را که چند برابر انسان معمولی بود طراحی کرده و آنها را عمداً در مسیر جا می گذاشتند تا لشکریان مقابل، تصور کنند سربازان آنها غول پیکرند و عملاً روحیه ی مقاومت طرف مقابل را تحت تأثیر قرار داده و وحشت را گسترش می دادند. بنابراین هر حرکتی که روحیه ی یک ملت را هدف گیرد، عملیات و جنگ نرم و نوعی اعمال قدرت نرم است. اولین کسی که روی این مسأله کار کرده است، "سان تزو" است که در کتاب هنر جنگ نکته ای را مطرح می کند و می گوید: "می شود جنگید، اما مهم ترین کار این است که شما در یک نبرد بدون جنگ، پیروزی را به دست بیاورید!" چیزی که او مد نظر قرار داده، همان عملیات روانی و جنگ نرم است. باید به استراتژی های رقیب و روحیه ی او حمله کرد؛ به گونه ای که آنها بپذیرند که شکست خواهند خورد. اگر کسی در ذهنش بپذیرد که شکست می خورد، حتماً در دنیای واقعی نیز شکست خواهد خورد. زیرا آنچه فرد را به مقاومت تشویق می کند، روحیه است. از سوی دیگر، هزینه ی جنگ نرم بسیار کم تر از جنگ سخت است. به معاویه می گفتند: چرا این همه پول برای خرید افراد و تبلیغات خرج می کنی؟ یکی از پاسخ های معاویه این بود که هزینه ی جنگ، بسیار بیشتر از این است. بنابراین معاویه نیز به گونه ای عملیات نرم انجام می داد اما امروزه به شکل علمی به این قضیه پرداخته می شود.

## بخش دوم: نگاهی به تاریخچه و سیر پیدایش مفهوم جنگ نرم

همانطور که کیم نو سال<sup>۱</sup>، فن همپسون<sup>۲</sup> و دین اولیور<sup>۳</sup> اشاره کرده اند (کال، ۱۳۸۷) منشاء اصطلاح قدرت نرم به کتاب جوزف نای<sup>۴</sup> نوشته شده در اواخر دهه هشتاد، باز می گردد. این کتاب در مخالفت با کسانی که قدرت آمریکا را رو به افول پیش بینی می نمودند و آن را نتیجه ی افزایش هزینه ها و کاهش آشکار کارآیی نیروی نظامی این کشور برمی شمردند. نای در کتابی دیگر به نام باند تولید ۵ اصطلاح قدرت نرم را در مقابل قدرت سخت به کار برد. (نای، ۱۳۸۷) جنگ ها با توجه به معیارهای مختلف به انواع متفاوتی تقسیم می شوند. مثلاً براساس توازن قوا، به جنگ عادلانه و غیرعادلانه، براساس مقیاس های جغرافیایی به جنگ های محلی، منطقه ای، فرامنطقه ای و جهانی، با توجه به میزان منابع به کار گرفته شده در جنگ، به دو نوع «جنگ عمومی» و «جنگ محدود»، (کالینز، ص ۷۳-۹۹) نوع تاکتیک به منظم (کلاسیک) و نامنظم (چریکی)، و براساس نوع سلاح به «هسته ای» و «غیرهسته ای» تقسیم می شوند. در یک تقسیم کلی دیگر و با توجه به ابزارهای به کار رفته در جنگ و همچنین با عنایت به هدف اصلی از آن، می توان جنگ ها را به سه نوع تقسیم کرد: «جنگ های سخت»، «جنگ های نیمه سخت» و «جنگ های نرم». منظور از جنگ های سخت، جنگ های نظامی و درگیری فیزیکی میان سربازان و نظامیان مهاجم و جبهه ی مقابل است. جنگ های سخت معمولاً به منظور تسخیر یک سرزمین یا بخشی از یک سرزمین شروع می شوند و پس از

<sup>۱</sup> - Kim nasal

<sup>۲</sup> - Fen Hampson

<sup>۳</sup> - Din Oliver

<sup>۴</sup> - Joseph Nye

<sup>۵</sup> - Bound to Lead

موفقیت طرف مهاجم و یا پس از برجای ماندن تلفات انسانی فراوان از طرفین، پایان می پذیرند. البته وقتی یک سرزمین از سوی مهاجمان اشغال می شود، حکومت آن و نظام سیاسی پیشین آن نیز تغییر می کند و حاکمانش از سوی نیروهای مهاجم و فاتح، تعیین می گردند. هدف اصلی در جنگ های نیمه سخت، تغییر حاکمان و مسئولان کشور است. جنگ های نیمه سخت به منظور تسخیر یک حکومت و سرنگون کردن یک نظام سیاسی انجام می گیرد. به همین دلیل در این نوع جنگ ها، سپاه دشمن علناً و عملاً وارد درگیری نمی شود؛ بلکه با فراهم کردن زمینه های لازم سعی می کنند مهره های خود را از طریق کودتای نظامی به قدرت برسانند. رژیم های کودتا همگی محصول جنگ های نیمه سخت اند. کودتاها به منظور تسخیر و قبضه ی سریع قدرت سیاسی از سوی مخالفان حکومت وقت صورت می گیرند و کودتاچیان می کوشند در همان ساعات اولیه، مراکز حساس قدرت را تسخیر کنند و مدیران فرماندهان سابق را برکنار و بازداشت نمایند و به جای آنان، مدیران و فرماندهان مورد وثوق خود را بگمارند. معمولاً در کودتاها، نظام حکومتی و قوانین حاکم بر کشور، دچار تغییر اساسی و بنیادین نمی شود، بلکه تغییرات نوعاً در سطح رهبران و مسئولان ارشد و احیاناً سیاست های داخلی یا خارجی یک کشور صورت می گیرد. به تعبیر هانتینگتون: «یک کودتا تنها رهبری و شاید سیاست های یک حکومت را دگرگون می سازد (هانتینگتون، ص ۳۸۵). در کودتاها معمولاً نیازی به بسیج عمومی نیست و حتی ممکن است عموم مردم از کودتاچیان ناراضی باشند. کودتا بیشتر توسط نیروهای نظامی یا بخشی از نیروهای نظامی صورت می گیرد و معمولاً فاقد پشتوانه ی اجتماعی در میان توده ها می باشد. (ر.ک. گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه ی منوچهر صبوری، ص ۷۹۴) کودتاهای موفق، کودتاهایی هستند که حداکثر طی چند روز، قدرت را به دست گیرند. در دهه های اخیر در بسیاری از کشورهای دنیا کودتا رخ داده

است. کشورهایی چون تایلند، برمه، فیلیپین، ایران، ۱ عراق، لیبی (معمّر قزافی، رهبر لیبی، در اثر کودتایی در سال ۱۹۶۹ به قدرت رسید)، مصر، شیلی ۲، آرژانتین، لهستان و اتحاد جماهیر شوروی (کودتای ناموفق ۱۹۹۱) از جمله کشورهایی هستند که در دهه های اخیر شاهد وقوع کودتا بوده اند. شاید بتوان گفت در دوران معاصر، در مجموع، عامل اصلی تغییر قدرت ها و حکومت ها، کودتا بوده است و نه خواست و اراده ی ملت ها. در جنگ های نرم، لااقل در مراحل اولیه ی جنگ، هیچ منازعه ی فیزیکی و سختی صورت نمی گیرد. جنگ نرم از سنخ جنگ های فرهنگی است. ابزار و ادوات جنگی در این نوع جنگ از سنخ ابزارهای فرهنگی و فکری و اندیشه ای و منشی اند و نه ابزارها و وسایل نظامی. دشمنان، در جنگ نرم به دنبال تسخیر باورها و ارزش های یک ملت اند. تصرف قلب ها و مغزها هدف اصلی جنگ نرم است و وقتی به هدف نایل شوند، در حقیقت جبهه ی مقابل را به جبهه ی خودی تبدیل کرده اند و در چنین صورتی اصولاً نیازی به تسخیر نظامی کشور و یا دخالت رسمی و مستقیم در تغییر نظام حاکم بر آن نیست؛ بلکه این اهداف را خود آن ملت، که همگی یا بخش عمده ای از آنها بر اثر جنگ نرم به جبهه ی دشمن پیوسته اند، تامین می کنند احیاناً اگر نیازی به جنگ سخت باشد، با کمترین مقاومت از سوی کشور هدف روبه رو خواهند شد و با هزینه ای بسیار اندک به هدف اصلی خود نایل می شوند. جوزف نای، از پژوهشگران سیاسی مشهور معاصر آمریکا، قدرت نرم را به «توانایی شکل دهی ترجیحات دیگران» و «قدرت برای جذب» تعریف کرده است. (نای، ۱۳۸۸، ص ۱۲۸) در جنگ نرم با استفاده از اقدامات روانی، رسانه ای،

<sup>۱</sup> - مثل کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ که علیه مشروطیت بود و رضاخان را به حکومت رساند و کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ که دولت مصدق را سرنگون و کودتای نوژه در تابستان ۱۳۵۹.

<sup>۲</sup> - در سال ۱۹۷۳ مردم شیلی در انتخاباتی آزاد سالوادور آلنده را به ریاست جمهوری خود برگزیدند. وی بلافاصله پس از ریاست جمهوری خود، معادن مس شیلی را ملی کرد و دست آمریکا را از این سرمایه ی ملی شیلی کوتاه نمود؛ اما آمریکاییان با طراحی یک کودتا دولت مردمی آلنده را سرنگون، و از دولت دیکتاتوری ژنرال پینوشه حمایت کردند.

تبلیغاتی، اجتماعی و فرهنگی سعی می‌شود جامعه یا کشور هدف از بعد اندیشه‌ای و اعتقادی تسلیم مهاجمان شود. به تعبیر دیگر، در جنگ نرم، دشمن سعی می‌کند با برنامه ریزی کامل و دقیق و با استفاده از همه‌ی ابزارهای ممکن، بر باورها، احساسات و رفتارهای جامعه‌ی هدف تاثیر بگذارد؛ به گونه‌ای که آنان همان چیزی را باور داشته باشند که دشمن می‌خواهد، همان کاری را انجام دهند که او دوست دارد و همان احساسات و تمایلاتی را ابراز نمایند که دشمن اراده کرده است. در جنگ نرم، مهاجمان سعی می‌کنند از طریق استحاله‌ی فکری و فرهنگی، مردمان جامعه‌ی هدف را ناخودآگاه به نیروی خودی تبدیل نمایند. هدف جنگ نرم این است که باورها و ارزش‌های جامعه‌ی هدف را به گونه‌ای جهت دهند که همچون مهاجمان بیندیشند؛ همچون آنان فکر کنند و هرآنچه را آنان خوب می‌دانند، خوب بدانند و هرآنچه را که بد و زشت معرفی می‌کنند، زشت ببینند؛ و نه تنها از همفکری و همسویی با دشمنان قسم خورده‌ی خود احساس شرمندگی نکنند، بلکه با افتخار از آن یاد کنند. در اصطلاحات نظامی و سیاسی، اصطلاحاتی از قبیل «جنگ روانی»، «عملیات روانی»، «براندازی نرم»، «تهدید نرم»، «انقلاب نرم»، «انقلاب مخملی»<sup>۱</sup>، «انقلاب رنگی»<sup>۲</sup> و «جنگ رسانه‌ای» همگی از اشکال و انواع جنگ نرم و گاهی مترادف جنگ نرم به کار می‌روند؛ در حالی که جنگ روانی و جنگ رسانه‌ای در حقیقت از شگردها و ابزارهای جنگ نرم اند و نه مترادف با آن، و انقلاب مخملی و انقلاب رنگی نیز در حقیقت مرحله سخت‌افزاری جنگ نرم به شمار می‌روند. البته در همه‌ی این موارد، دشمن سعی می‌کند بدون درگیری و زور و اجبار، جبهه‌ی مقابل را به انفعال بکشاند و اراده و خواست خود را بدون به کارگیری ابزارآلات نظامی و سخت‌بر

---

<sup>۱</sup> - Velvet Revolution

<sup>۲</sup> - Color Revolution

دیگران تحمیل نماید. پیروزی در جنگ نرم منوط به داشتن قدرت نرم و یا احساس مردم نسبت به بهره مندی دشمن از قدرت نرم است. «قدرت» در اصطلاح سیاسی عبارتست از «توانایی بر دستیابی به نتایج مورد نظر». تحصیل این قدرت، گاهی به شیوه ی سخت و فیزیکی و با استفاده از ابزار و وسایل نظامی و قانونی به دست می آید، که به آن «قدرت سخت» گفته می شود و گاهی هم به شیوه ی نرم و بدون استفاده از وسایل و ادوات نظامی، که به آن «قدرت نرم» گفته می شود. به تعبیر دیگر، اگر از راه تهدید (چماق) و یا تطمیع (هویج) طرف مقابل را به انجام کار موردنظر خود وادار نماییم، در حقیقت قدرت ما از سنخ «قدرت سخت» است؛ اما اگر بتوانیم بدون استفاده از ابزار تطمیع یا تهدید، و با استفاده از ابزارهای فرهنگی و شگردهای اجتماعی و سیاسی و رسانه ای، طرف مقابل را با رضایت و تسلیم به عضوی از اعضای گروه خود تبدیل کنیم و او را مجذوب اهداف و برنامه های خود نماییم، قدرت ما از سنخ «قدرت نرم» خواهد بود. (ر.ک: جوزف نای، قدرت نرم و رهبری، همان، ص ۱۲۶-۱۲۷)

در قدرت سخت یا جنگ سخت، مبنای کار به تعبیر جوزف نای، «اجبار» است؛ اما در قدرت نرم یا جنگ نرم، مبنای فعالیت «اقناع» است. قدرت نرم معلول شخصیت جذاب، فرهنگ قوی و معقول، نهادها و ساختارهای منطقی و کارآمد، ارزش های سیاسی مشروع و مقبول، اقتدار اخلاقی و معنوی و امثال آن است. داشتن قدرت نرم یکی از مهم ترین مولفه های رهبری و مدیریت موفق است. یک رهبر، بدون مقبولیت عمومی و مشروعیت اعتقادی، نمی تواند مقتدرانه به رهبری خود ادامه دهد. قدرت واقعی، هرگز با زور و سرنیزه به دست نیامده و نخواهد آمد. منابع و علل قدرت نرم را به سادگی و در کوتاه مدت نمی توان کنترل کرد و اگر فرد یا دولتی بخواهد علیه این عوامل و منابع قدرت نرم موضع گیری نماید، در حقیقت به اعتبار خود لطمه زده است (همان، ص ۱۳۵-۱۳۴)؛ زیرا مخالفت و مقابله با این امور از دیدگاه

مردم به معنای مقابله با خوبی ها و فضیلت ها است. جنگ به عنوان بخشی از طبیعت بشر شناخته می شود که در تاریخی به قدمت تاریخ خود بشر، فراز و نشیب های فراوانی داشته و به رویکردهای مختلفی تقسیم شده است. شناخته ترین نوع این تقسیم بندی، بر مبنای شدت این جنگ است که جنگ را به منازعات کم شدت، شدید و تمام عیار، تقسیم بندی کرده اند. در نوع دوم دسته بندی جنگ، آن را از نظر به کارگیری سلاح به طیف های جنگ نرم و جنگ سرد تفکیک می کنند. همچنین جنگ از حیث آشکار یا مخفی بودن، به جنگ آشکار، جنگ نیمه پنهان و جنگ پنهان تقسیم می گردد. دسته بندی بعدی، طیف شناسی جنگ از حیث موضوع آن است که به جنگ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی دسته بندی شده است. نوع دیگر، طیف شناسی جنگ، بر مبنای «ابزار و روش تحمیل اراده» است. بر مبنای این شاخص جنگ، شامل جنگ نرم و جنگ سخت است. این نوع تفکیک ابتدا در مورد تفکیک قدرت، به قدرت نرم و سخت، از سوی جوزف نای انجام شده، و سپس در دهه ی اخیر از سوی سایر اندیشمندان تکامل یافته است. در پاسخ به این پرسش که جنگ نرم چیست؟ صاحب نظران و محققان پاسخ های متفاوتی داده اند. همچنین در برخی از تعریف ها مرز بین جنگ نرم، عملیات روانی، قدرت نرم و تهدید نرم مشخص نیست. برخی از پاسخ ها به این پرسش عبارت است از:

۱- گروهی جنگ نرم را عبارت از استفاده ی طراحی شده با توسل به شیوه هایی می

دانند که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می شود. (کالینز، ۱۳۷۰: ۴۸۷)

۲- برخی، تلاش برنامه ریزی شده برای استفاده از ابزارها و روش ها تبلیغی، رسانه ای،

سیاسی و روان شناختی، برای تاثیر نهادن بر حکومت ها، گروه ها و مردم کشورهای

خارجی به منظور تغییر نگرش ها، ارزش ها و رفتارهای آنان را جنگ نرم می دانند.

(Fazio, ۲۰۰۷: ۱۹)

۳- بعضی، استفاده ی یک کشور از قدرت نرم برای دستکاری افکار عمومی کشور

آماج و تغییر ترجیحات، نگرش ها و رفتارهای سیاسی آنان را جنگ نرم می دانند.

(Nye, ۲۰۰۴: ۳)

۴- به گمان برخی، جنگ نرم حالت تنش و مخاصمه ی شدیدی است که بین کشورها

پدیدار می شود و مانورهای سیاسی، مشاجره های دیپلماتیک، جنگ های روانی،

مخاصمه های ایدئولوژیکی، جنگ اقتصادی و رقابت برای کسب قدرت از

مختصات آن هستند. هدف های این تهاجم می تواند تضعیف روحیه، وحدت ملی،

ایجاد شکاف میان مردم و حاکمیت، نافرمانی مدنی، افزایش ناکارآمدی حاکمیت و

تضعیف اراده ی مقاومت در مردم باشد.

۵- جنگ نرم عبارت است از هرگونه اقدام غیرخشونت آمیز که ارزش ها و هنجارهای

جامعه ی هدف را مورد هجوم قرار می دهد و سرانجام منجر به تغییر در الگوهای

رفتاری موجود و خلق الگوهای جدیدی می شود که با الگوهای رفتاری موردنظر

نظام حاکم تعارض دارد. (کرمی، ۱۳۸۷: ۳)

۶- جنگ نرم نوعی جنگ سرد است که سرانجام به استحاله ی فرهنگی جامعه منجر می

گردد (ساندرس، ۱۳۸۲: ۱۲۳)

۷- جنگ نرم، مجموعه ی تدابیر و اقدامات از پیش اندیشیده ی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشورهاست که برنظرات، نگرش ها، انگیزش و ارزش های مخاطبان آماج (اعم از حکومت ها، دولت ها، گروه ها و مردم کشورهای خارجی) تاثیر می گذرد و و در بلندمدت موجب تغییر منش، رفتار و کنش های فردی و اجتماعی آنان می گردد (الیاسی، ژانویه ۱۳۸۷: ۱۲)

### بخش سوم: واکاوی و شناخت اصولی و شناخت ویژگی های جنگ نرم

برای شناخت هر پدیده، بهتر است ویژگی های متمایزکننده ی آن پدیده شمرده شود. ویژگی های زیر که ناظر بر نقاط افتراق جنگ سخت و نرم است، می تواند به شناخت جنگ نرم کمک کند:

ذهنی و غیرمحسوس بودن: جنگ نرم، برخلاف جنگ سخت، از ماهیت انتزاعی و ذهنی برخوردار است. بنابراین تشخیص به موقع آن دشوار است، ولی جنگ سخت، محسوس و همراه با واکنش و برانگیختن است. در جنگ نرم، کشف بازیگران، آرایش و گسترش دشمن مشکل بوده و کمتر موجب برانگیختن و واکنش می شود.

تدریجی بودن: جنگ نرم در یک فرآیند تدریجی، خزنده و آرام اعمال می شوند.

ابهام آمیز بودن: عاملان جنگ نرم در پوشش دوست و به بهانه ی کمک به مخاطبان، اقدامات خویش را به سامان می رسانند. از این رو نه تنها توده های نافرهیخته بلکه برخی از نخبگان، اغلب در تشخیص و درک نیات آنان باز می مانند.

غلبه بعد فرهنگی جنگ پُرمول و فراگیر بودن: جنگ سخت اغلب گروه محدودی از افراد جامعه - بیشتر نظامیان - را آماج قرار می دهد. در حالی که جنگ نرم بر همه ی گروه های جامعه تاثیر می گذارد.

پررنگ بودن بعد فرهنگی جنگ بر سایر ابعاد: گرچه جنگ نرم همه ی ابعاد یک نظام، به ویژه سه بعد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهد، ولی بعد فرهنگی آن برجسته تر از سایر ابعاد است و با دگرگونی هویت فرهنگی، نظام سیاسی موجود ناکارآمد گردیده و زمینه های فروپاشی آن فراهم می شود.

عمیق بودن تاثیر: جنگ سخت، جز در موارد محدود، اثرهای کوتاه مدتی بر جامعه ی هدف بر جای می گذارد، در حالی که اثرهای جنگ نرم، به ویژه در بعد فرهنگی، می تواند همیشگی باشد؛ چرا که ممکن است موجب تغییر ارزش ها و هنجارهای جامعه و شخصیت افراد گردد.

پیچیده بودن: جنگ نرم، پیچیده، چندلایه و چندوجهی است. این جنگ لایه های شناختی، عاطفی، هیجانی، اجتماعی، معنوی و روانی و حتی جسمانی مخاطبان را آماج قرار می دهد. از این رو تشخیص آن، کار دشواری است. جنگ نرم، محصول پردازش ذهنی نخبگان بوده و اندازه گیری آن مشکل است؛ در حالی که جنگ سخت، عینی، واقعی و محسوس است و می توان آن را با ارائه ی برخی از معیارها اندازه گیری کرد.

بین رشته ای بودن: در اعمال جنگ نرم از یافته های علوم گوناگونی مانند روان شناختی، جامعه شناسی، علوم ارتباطات، مردم شناسی فرهنگی، علوم سیاسی و جز این ها استفاده می شود. از این رو مقابله با آن تنها با آگاهی از فرایندها و یافته های آن علوم میسر است.

عمدی بودن: جنگ نرم با طرح و نقشه ی پیشین و همراه با خصومت و دشمنی به سامان می رسد. از این رو باید مصادیق جنگ نرم دشمن را که ناشی از ناکارآمدی و یا ضعف نظام است از آسیب های داخلی تفکیک نمود.

پر شمول بودن بازیگران: جنگ نرم دارای بازیگران گوناگونی است که هریک برخی ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه ی آماج را مورد تهدید قرار می دهد.

متکی بودن بر روش های غیرخشونت آمیز: در جنگ سخت، با تخریب و حذف فیزیکی حریف، تصرف و اشغال سرزمین او اهداف، تامین و اراده ی تحمیل می شود؛ در حالی که در جنگ نرم با تاثیرگذاری بر انتخاب ها، فرآیند تصمیم گیری و الگوهای رفتاری و در نهایت با «روش های غیرخشونت آمیز» و تغییر هویت حریف، اراده بر او تحمیل می شود. (آرکلیگ، ۱۳۷۹)

### **بخش چهارم: بررسی و تحلیل ابزار های جنگ نرم**

ابزار های جنگ نرم را می توان به شرح ذیل تقسیم نمود:

۱- جنگ رسانه ای

۲- جنگ اطلاعاتی- روانی

۳- تهاجم فرهنگی

۴- براندازی نرم

۱- جنگ رسانه ای: یکی از روش های جنگ نرم جنگ رسانه است. جنگ رسانه ای استفاده از تمام رسانه ها و شیوه های روان شناختی و متخصصین تصویر و صدا جهت تضعیف چهره کشور هدف و دفاع از منافع خود می باشد. (رنجبر، ۱۳۸۸: ۱۹۳) متخصصین جنگ رسانه ای ژنرال های نظامی نیستند. اساتید دانشگاه ها و دیپارتمان های رسانه ای و علوم سیاسی می باشند. جنگ رسانه ای ائتلاف میان دو کشور علیه یک کشور نیست. ائتلاف جریانی از کشورها (کشورهای غربی) علیه یک کشور یا یک جریان است (مثلاً ائتلاف دولت های شمال علیه دول جنوب) در جنگ رسانه ای فقط نقاط منفی دشمن مطرح می شود. نقاط مثبت کشور یا جریان رقیب مطرح نمی شود. مثلاً جنگ رسانه ای غرب علیه جمهوری اسلامی ایران متمرکز است بر اتهام تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته ای- نقض آزادی های سیاسی- مدنی- وجود بحران سیاسی اقتصادی- وجود تضاد میان مردم و حاکمیت و ... که به صورت کلیشه ای با تحلیل و تصاویر مختلف ارائه می شود. (ماه پیشانیان، ۱۳۸۶: ۳) غرب با ایجاد دفاتر متعدد خبری مستقیم و غیر مستقیم، تصویب بودجه رسانه ای، ایجاد شبکه های بومی به عنوان ترویج دموکراسی و حقوق بشر برای ایرانیان و مسلمانان (ترویج اسلام اروپائی- آمریکا و مقابله با اسلام واقعی) حرکت می نماید (شیلر، ۱۳۷۷: ۴۰-۳۰)

اعضاء این شبکه های خبری رسانه ای شامل:

۱- شخصیت های دانشگاهی- روشنفکر لیبرال و سکولار

۲- صاحب نظران مذهبی جوان

۳- فعالان اجتماعی

۴- گروه های طرفدار جنبش زنان

۵- روزنامه نگاران و نویسندگان میانه رو می باشند.

اصول مورد حمایت جنگ رسانه ای نیز عبارتند از:

۱- آموزش دموکراسی

۲- آزادی رسانه و مطبوعات

۳- برابری جنسیتی

۴- هواداری سیاسی از اسلام سکولار

۵- معرفی چهره خشن از اسلام و شخصیت های اصلی آن در غرب

۶- معرفی مجاهدین مسلمان به عنوان تروریسم و مقایسه اعمال آنها با مجاهدین صدر

اسلام و زیر سؤال بردن کلی اسلام و اصول آن (مثل جهاد شهادت) (کاگان، ۵)

۲- جنگ اطلاعاتی - روانی: جنگ اطلاعاتی - روانی روش دوم جنگ نرم است. نبرد اطلاعاتی ناشی از موج سوم (انقلاب اطلاعات و ارتباطات) است. گرچه نبرد اطلاعاتی - روانی از قدیم بوده است ولی با انقلاب در این حوزه به اوج کاربرد آن رسیده است. مورگان می گوید: جنگ اطلاعاتی تنش منطقی میان حریم خصوصی و امنیت ملی به وجود می آورد. در این جنگ تلاش برای از بین رفتن مرزهای جنگ و صلح می باشد. هدف جلوگیری از جنگ سخت - تحریف و سردرگمی دشمن و کنترل حاکمیت بر مردم می باشد. هدف نهائی جنگ اطلاعات کشتن دشمن نیست بلکه تحت کنترل درآوردن

اوست. نبرد اطلاعات به روش تفکر و تصمیم گیری انسان مربوط می شود که در آن نفوذ می کند و در تصمیمات مؤثر بر جنگ و صلح او تأثیر می گذارد. تلاش اصلی تأثیر بر جنبه های روانی فرماندهی صلح و جنگ است. میدان این نبرد امواج ماهواره ای و اینترنتی است. اشکال جنگ اطلاعاتی- روانی شامل جنگ الکترونیکی- جنگ روانی- جنگ سایبر و ... می باشد. (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۵۶) الیجاه گراگ<sup>۱</sup> در مقاله خود می گوید: "آمریکا باید در جنگ اطلاعاتی علیه ایران پیروز شود. پنجره فرصت های اصلاح مسالمت آمیز در تهران معلوم نیست در آینده باز باشد. بنابراین آمریکا باید به شکل تهاجمی به تبلیغ و رشد فرهنگ، ارزش ها و ایده های آمریکا کمک کند." (کریگ، ۲۰۱۰: ۶-۲)

۳- تهاجم فرهنگی (ناتوی فرهنگی): یکی دیگر از روش های جنگ نرم تهاجم فرهنگی یا ناتوی فرهنگی می باشد. آمریکا پس از فروپاشی شوروی به دنبال جهانی سازی لیبرال دموکراسی است. با طرح نظریه هائی مانند موج سوم آلوین تافلر، دهکده جهانی اورول و مک لوهان، جهانی شدن و جهانی سازی هابرماس و گیدنز و نظریه عدالت جهانی راولز و نظریه های تکمیل کننده مانند فوکویاما (پایان تاریخ) برای غلبه ناتوی فرهنگی لیبرال-دموکراسی بر جهان برنامه ریزی کرده است.

ناتوی فرهنگی به دنبال تسخیر مرز جغرافیایی نیست. برای تسخیر مرزهای فکری، اندیشه و فرهنگ ملت ها حرکت می کند. تسخیر باورها، ایدئولوژی و جهان بینی ملت ها می باشد. بر خلاف استراتژی ناتوی نظامی که به دنبال تسخیر مرز جغرافیایی، منابع و مراکز مهم اقتصادی- تجاری بود. ناتوی فرهنگی کارکردی بلند مدت، پرجاذبه، کم دردسر و کم

<sup>۱</sup> - Elijah Graig

هزینه دارد. در حالی که ناتوی نظامی کوتاه مدت، خشن و سخت، کم بازده، پر درد سر و پر هزینه است. (رابین، ۲۰۰۶: ۵) هدف اصلی ناتوی فرهنگی به حاشیه راندن فرهنگ، ملی-دینی ملت هاست. در این مسیر حاکم کردن فرهنگ لیبرال دموکراسی غربی و سلطه آمریکا و اروپا و پس از آن تأمین اهداف و منافع آن‌ها را تحقق خواهد بخشید. در این روش آمریکا و غرب به دنبال به حاشیه راندن الگوی توسعه جمهوری اسلامی ایران است. با طرح اتهام‌های مختلف (تروریسم بودن- سیاه نمایی نظام اسلامی- ضد حقوق بشر و حقوق زنان خواندن- به دنبال سلاح هسته‌ای بودن- ایجاد اختلاف میان مردم و نظام و ...) و تبلیغ مستمر از الگوی توسعه لیبرال دموکراسی و مدل پیشنهادی غربی برای دول اسلامی این حرکت را تکمیل نموده است. (رنجبران، ۱۳۸۸: ۱۴)

۴- براندازی نرم: براندازی نرم روش دیگر جنگ نرم آمریکا است. بدین صورت که با طرح و دفاع از مبانی لیبرال دموکراسی و اسلام آمریکا- اروپائی به جنگ با مبانی اسلام سیاسی، مشروعیت، مقبولیت، مشارکت سیاسی و دستاوردهای آن در ایران می‌پردازد. آمریکا در این براندازی مطرح می‌کند تغییر مسالمت آمیز و بدون خشونت حکومت در ایران دستیابی به صلح، آزادی، ثروت و رفاه و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی را به دنبال دارد. (ضیایی پرور، ۱۳۸۳: ۲۰)

جنبش بدون خشونت (براندازی نرم) شامل اقداماتی از قبیل:

- ۱- اعتراض (تحصن- اعتصاب- مخالفت لفظی- کم کاری- کارشکنی- تجمع پراکنده و مستمر)

۲- عدم همکاری با دولت و ایجاد نابسامانی اقتصادی (نافرمانی مدنی - عدم پرداخت مالیات - عدم مشارکت سیاسی و...)

۳- مداخله غیرخشونت آمیز (خرابکاری نامحسوس - شعارنویسی - چوب لای چرخ دولت گذاشتن)

۴- جذب مخالفان و حمایت از آن ها (جرات دادن به مخالفان برای ابراز وجود - سازماندهی و هدایت آنها - کمک مالی به نهادهای آن ها و ...) می باشد. (موسون، ۲۰۰۵: ۱۸-۱۷)

۵- تأسیس نهادهای غیر دولتی به طور گسترده ( NGOهای مختلف): نمونه های نهادهای براندازی نرم در غرب مانند بنیاد هریتج، سیا، مرکز سابان می باشد که طرح سیا برای براندازی تشیع، تخریب مبانی شیعه، عاشورا، مرجعیت، مهدویت، ایجاد اختلاف شیعه و سنی (اصل تفرقه بیانداز و حکومت کن در براندازی نرم به تفرقه بیانداز و نابود کن تبدیل شده است) می باشد. افراد بی سواد و احساساتی اصولاً در براندازی نرم به عنوان ستون پنجم به کار گرفته می شوند (استفاده از نقاط ضعف عزاداری، روحانیون کم سواد، مداحان پول پرست بی سواد برای خرافه گوئی و گمراه کردن پیروان ساده لوح و بعد سوء استفاده تبلیغی از آنها و اعمال آنها نمونه هائی از این حرکت است. (رنجبران، ۱۳۸۸: ۱۷۵)

## بخش پنجم: تأثیر جنگ نرم بر امنیت اجتماعی در جامعه اسلامی

جنگ نرم از ابعاد مختلف بر امنیت اجتماعی کشورها تأثیر می گذارد. در جنگ نرم به اعتقادات، باورها و ارزش های اساسی یک جامعه، حمله می شود؛ زیرا در صورت تغییر باورهای بنیادین جامعه، قالب های تفکر و اندیشه آن دگرگون می شود و الگوهای رفتاری جدید شکل می گیرد و رفتارهای چالشی و ساختارشکنانه، جایگزین رفتارهای متعادل جامعه می گردد. تردید، دودلی، بدبینی و احساس ناکارآمدی نسبت به ساختار سیاسی نظام در جنگ نرم شکل می گیرد. جنگ نرم، عرصه عرضه ی نمادها و مناسک فرهنگی گوناگون و متعارض، رویارویی آموزه ها و باورها و تفسیرهای دینی متفاوت و متضاد و تقابل ارزش ها و رفتارها و گرایش های معنوی رنگارنگ است. جنگ نرم از طریق گوناگون و در زمینه های مختلف بر امنیت اجتماعی جوامع تأثیر می گذارد که موارد عمده آن در ادامه این نوشتار، مرور می شود. دو رویکرد عمده در خصوص رابطه امنیت و جامعه وجود دارد:

رویکرد اول، بیشتر متعلق به مطالعات سنتی امنیت است و بر استقلال ماهوی امنیت از جامعه اصرار دارد. این رویکرد به دو دیدگاه مارکسیستی و غیر مارکسیستی تقسیم می شود که مسائل جامعه در نظریه مارکسیستی، ناشی از اختلاف طبقاتی و در دیدگاه غیرمارکسیستی، ناشی از تضاد گروه های جامعه برای کسب و حفظ قدرت است. در این رویکرد، امنیت خصوصیات زیر را دارد:

۱. امنیت جامعه مبتنی بر ساخت عینی - مادی است؛

۲. جبر اقتصادی و سیاسی، تعیین کننده ویژگی امنیت اجتماعی است؛

۳. انسان، تمایلات سلطه‌گری دارد و سمت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی افراد، مولد قدرت، توانایی و اقتدار هستند و امنیت جامعه مبتنی بر ضوابط ساختاری اقتدار می‌باشد؛

۴. امنیت جامعه با ویژگی تصاحب و بهره‌گیری از منابع<sup>۱</sup> بیشتر همراه است؛

۵. کشمکش‌ها هم‌تأمین‌کننده همبستگی و امنیت و هم موجب گسستگی و ناامنی جامعه است؛

۶. نابرابری در توزیع منابع و منافع اقتصادی-معیشتی و سیاسی، باعث تضاد و جنگ بین گروهی می‌شود؛ لذا امنیت و ناامنی جامعه معلول نابرابری در توزیع منابع و منافع است؛

۷. ناامنی اجتماعی، چارچوب‌های هویتی را مشخص می‌کند؛ زیرا هویت‌ها براساس جایگاه فرد در نظام تولید و تصاحب ثروت و قدرت تعریف می‌شود. (امنت، ۱۳۸۶: ۲۶۰)

رویکرد دوم، بر رابطه دوسویه امنیت و جامعه و تاثیر متقابل آن‌ها تاکید دارد و به این نکته توجه می‌کند که امنیت در بطن جامعه، قابل فهم است. بنابراین، بر وجود یا فقدان امنیت در بطن ارزش‌های جامعه متمرکز است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۲۵۹) این رویکرد تا حدی تحت تاثیر جامعه‌شناسانی مثل هربرت اسپنسر<sup>۲</sup>، امیل دورکیم<sup>۳</sup>، ماکس وبر<sup>۴</sup>، تالکوت پارسونز<sup>۱</sup> و

---

<sup>۱</sup> Revenue

<sup>۲</sup> - Herbert Spencer

<sup>۳</sup> - Emile Durkheim

<sup>۴</sup> - Max Weber

دیدگاه کارکردگرایی – ساختی می باشد. در این دیدگاه، اجزای جامعه برای حفظ تعادل آن در ارتباط می باشند و مولفه هایی مانند امنیت و ارزش های جمعی در حفظ تعادل جامعه نقش دارند. امنیت در این رویکرد، دارای خصوصیات زیر است:

۱. امنیت دارای ساخت ذهنی است؛
۲. نظام فرهنگی، عمده ترین توانایی را برای تامین امنیت در اختیار دارد؛
۳. بیشترین تهدیدات امنیتی در حوزه های الف: ارزش ها، نمادها، دانش و نظم هنجاری، ب: فرآیند اجتماعی کردن و نظارت بر شئون اجتماع، و ج: الگوهای رفتاری و انگیزش ها می باشد؛
۴. امنیت، پدیده ای اجتماعی و جمعی است؛
۵. هویت سازی و جهت گیری ارزشی، پایه امنیت اجتماعی است (امانت، ۱۳۸۶: ۲۵۸)
۶. در این رویکرد چون امنیت اجتماع، پدیده ای ارزشی است، ارزش های جمعی، زیربنای امنیت است و امنیت در پیوند ناگسستنی با ارزش های جمعی قرار دارد. زیربنای امنیت اجتماعی، ارزش های مورد پذیرش جامعه است. از این رو، تزلزل در ارزش ها و هنجارها بر وقوع ناهنجاری ها، آسیب ها، انحرافات، جرم و جنایت، اعتیاد و خودکشی به مثابه مظاهر ناامنی اجتماعی، تاثیر مستقیم دارد.

براساس رویکرد ملهم از کارکردگرایی اگر امنیت اجتماعی متأثر از ارزش های مورد پذیرش جامعه است پس می توان گفت: استحاله ارزش های جامعه، هدف جنگ نرم است و حفظ ارزش های جامعه، هدف و لازمه امنیت اجتماعی است. جنگ نرم به دنبال این است که ارزش های جامعه را مورد هجوم قرار دهد و آن ها را تضعیف نماید؛ زیرا استحاله ارزش های جمعی باعث افزایش جرم و جنایت و کاهش امنیت اجتماعی در جوامع هدف می شود. اما جامعه ای که ارزش های مورد پذیرش اعضای آن حفظ شود، شاهد کاهش انحرافات و افزایش امنیت اجتماعی خویش است. امنیت و به طبع آن، امنیت اجتماعی بر مبنای ارزش های مقبول جامعه بنا شده است و جنگ نرم موجب استحاله ارزش های جامعه می شود. البته این ارزش ها در جوامع مختلف متفاوت است. در برخی جوامع، اعتقادات دینی ارزش محسوب می شود و در برخی دیگر، سایر موضوعات دارای ارزش هستند. بنابراین، ارزش ها در ارتباط بین جنگ نرم و امنیت اجتماعی به عنوان عامل اصلی محسوب می گردد. امنیت اجتماعی، توانایی جامعه برای حفظ ویژگی های اساسی خود در شرایط تهدیدات و تغییرات واقعی و احتمالی است. (نودینا، ۱۳۸۲: ۶۲) تهدیداتی که متوجه امنیت اجتماعی است با عناصر ارزشی جامعه ارتباط تنگاتنگ دارد. در نتیجه، هر تهدید فردی یا گروهی نسبت به ارزش ها، محل امنیت محسوب می شود و اجتماع را به واکنش وامی دارد. اگر در جامعه ای، ارزش های مقبول جامعه از سوی عوامل خارجی یا داخلی تهدید و مخدوش شود، امنیت اجتماعی دچار خدشه شده و جامعه با انحرافات و مشکلات بسیار مواجه خواهد شد. (محبوبی منش، ۱۳۸۱: ۱۴۲) از آن جا که یکی از کار ویژه های بنیادین نظام، امنیت اجتماعی، مراقبت از ارزش های جامعه است، امنیت اجتماعی و ارزش های جمعی، ارتباط متقابل عمیق و پایدار دارند و تاثیر متقابل امنیت و ارزش، زمینه ساز تعادل تعاملی در سطح جامعه می شود. در این وضعیت تعاملی، هر عامل

منفی و سلبی از جمله جنگ نرم که باعث خدشه در ارزش های جامعه شود، باعث تضعیف امنیت اجتماعی می شود. یکی از مهم ترین عواملی که ارزش های جامعه را تضعیف می نماید، جنگ نرم است که از طریق تضعیف ارزش های جامعه ضمن اختلال در همبستگی جامعه، باعث تضعیف امنیت اجتماعی می شود. جنگ ارزش ها بخشی از جنگ نرم است. ارزش ها غالباً معیار سنجش خویی یا بدی پدیده ها، رفتارها، کردارها و ... را برای انسان مشخص می نمایند (دیویس، ۱۷: ۱۳۷۳) انسان ها به این باور گرایش دارند که ارزش های آن ها حقیقی و درست است. آن ها از ارزش های خود دفاع می کنند و اغلب می کوشند دیگران را متقاعد سازند که خوب بودن آن ها را در نظر بگیرند. ارزش ها، الهام بخش قضاوت ها، رفتارها و عواطف هستند. (تاجیک، ۱۳۸۱: ۱۴۷)

### بند اول: استحاله فرهنگی

فرهنگ، مجموعه نظام مند هنجارها، ارزش ها و قواعد است. ادوارد تایلر<sup>۱</sup> فرهنگ را مجموعه دانش ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، رسوم و هرگونه توانایی و عادت می داند که به وسیله آن به عنوان عضو جامعه، کسب می شود. به نظر علی اکبر ولایتی فرهنگ مجموعه ای از سنتها، باورها، آداب و اخلاق فردی یا خانوادگی است که پایبندی ایشان بدین مفاهیم، اسباب تمایز آنها را از دیگر اقوام و قبایل مشخص خواهد کرد (ولایتی، ۱۳۸۲، ص ۳۳). مقصود جامعه شناسان از فرهنگ، جنبه هایی از جوامع بشری است که آموخته می شوند، نه آن هایی که به صورت ژنتیک به ارث می رسند. فرهنگ جامعه شامل جنبه های نامحسوس - شامل عقاید، اندیشه ها و ارزش هایی که محتوای فرهنگ می باشد - و جنبه های ملموس و

<sup>۱</sup> - Sir Edward Taylor

محسوس - شامل اشیاء، نمادها یا فناوری که بازنمود محتوای فرهنگ می باشد - است. امکان ارتباط متقابل و همکاری بین اعضای جامعه به این دلیل به وجود می آید که آن اعضا در این عناصر فرهنگی سهیم هستند (گیدنز، ۱۳۸۸: ۳۵) فرهنگ و قدرت ارتباط نزدیکی دارند؛ زیرا منبعی که قدرت را در محدوده خاصی ایجاد می کند، بستگی زیاد به اهداف اعلامی یک فرهنگ دارد (نای، ۱۳۷۸: ۱۸۷). فرهنگ از ایدئولوژی فراتر می رود و به اساس هویت جمعی افراد جامعه مربوط می شود. خودآگاهی جمعی، زبان، قومیت، تاریخ، مذهب و دیدگاه مشترک، بنیان های فرهنگ را تشکیل می دهند. مظاهر هویت برای رسمیت یافتن، باید از اجماع و استمرار در اجتماع برخوردار باشد (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۸: ۱۰۰۶) با عنایت به رابطه قدرت و فرهنگ، با ایجاد جنگ نرم، امنیت ضربه می بیند؛ زیرا جنبه های محسوس و نامحسوس فرهنگی و هنجارهای ثابت بخش آن برای شهروندان فاقد ارزش می شود و شهروندان به دنبال ارزش هایی مغایر با ارزش های نظام خویش می باشند. به عبارت دیگر، وقتی لایه های بالای نظام حاکم نتواند حاکمیت ایدئولوژیک خود را بر جامعه استمرار دهد و خود را تجسم بخش منافع جامعه برای شهروندان بسازد و لایه های پایین هم آن ها را نپذیرند، در این شرایط، نظام سیاسی در ورطه سقوط قرار می گیرد. (دهقانی، ۱۳۸۴: ۴۹۲-۴۹۱) قدرت نرم، رفتار توأم با جذابیت قابل رویت، اما غیرمحسوس است؛ چون قدرت نرم فرهنگی، روی ذهنیت ها سرمایه گذاری می کند، از جذابیت برای ایجاد اشتراک در ارزش ها و خواسته ها سود می جوید. قدرت نرم زمانی اعمال می شود که یک کشور، سایر کشورها را وادار کند که چیزی را بخواهند که خود می خواهد. توانایی تاثیر بر آنچه دیگر کشورها می خواهند، با عوامل نامحسوس مانند فرهنگ، ایدئولوژی و نهادها ارتباط دارد (شیلر، ۱۳۷۷: ۱۰) در جنگ نرم، دشمن تلاش می کند ارزش های مورد نظر خود را جایگزین نظام ارزشی جامعه هدف

نماید. در این جنگ با استفاده از رسانه، شیوه زندگی مهاجم به عنوان الگو از سوی مخاطبان پذیرفته شده و در بلندمدت بدون این که مخاطبان متوجه باشند، نمادهای فرهنگی مهاجمان، جایگزین ارزش های فرهنگی جامعه هدف می شود. فرهنگ بومی در صورت پیروزی مهاجم در جنگ نرم، نقش نمادین و فلسفه وجودی خود را از دست می دهد و در نتیجه، جامعه دچار پراکندگی و گسستگی می شود؛ زیرا همبستگی و انسجام اجتماعی در گرو یگانگی فرهنگی افراد جامعه است. جنگ نرم با القائات خود، ارزش های متفاوت را فراروی اقشار مختلف جامعه قرار می دهد که این امر، گسلی ژرف را میان آن ها موجب می شود. این روند می تواند تا حدی پیش برود که تعداد قابل توجهی از اعضای جامعه را مجذوب نظام فرهنگی مجری جنگ نرم نماید. این افراد در نهایت به سوی انکار نفی هویت خود پیش می روند و چون هویت ملی، بنیان امنیت ملی را شکل می دهد، امنیت کشور هدف، مخدوش می گردد (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۱۳۴-۱۳۳).

### بند دوم: تردید در مبانی نظام

مهاجم در جنگ نرم با تردید افکنی در مبانی یک نظام سیاسی، الگوی آن نظام را در عرصه های مختلف اجتماعی ناکارآمد می سازد (میلسن و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۷۱). در جنگ نرم فرآیند دولت سازی توسط دشمن در جهت تغییر الگوی نظام سیاسی مستقر عمل کرده و الگوهای رفتاری حوزه سیاسی را متحول نموده و مبانی مشروعیت نظام مستقر را با مشکل مواجه می سازد و به تدریج از طریق فرآیند مشارکت زدایی، نامشروع سازی، ناکارآمدی و ثبات زدایی نظام سیاسی، مقبولیت آن از بین رفته و شرایط برای جایگزین نظام سیاسی فراهم می گردد. جنگ نرم در صدد القای وجود بحران های هویت، مشروعیت، نفوذ و توزیع و مشارکت به

مخاطبین در جامعه هدف است تا ناکارآمدی دولت هدف را در بحران زدایی نشان دهد و پس از آن، رژیم سیاسی موردنظر خود را به عنوان نظام سیاسی مطلوب به مخاطبین در جامعه هدف، القا کند.

### **بند سوم: نابسامانی اجتماعی**

بی سازمانی<sup>۱</sup> یا نابسامانی اجتماعی عبارت از نارسایی و شکست در یک نظام اجتماعی با پایگاه ها و نقش های مرتبط است. وقتی یک گروه، سازمان، اجتماع و یا جامعه خاص، نابسامان است، ساخت پایگاه ها و نقش های آن، چنان که بایسته است، سازمان یافته نیست. در چنین حالتی، اهداف جمعی و فردی اعضای آن، کمتر از یک نظام اجتماعی کارآمد، امکان تحقق دارد. (میلسن و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۳۸) نابسامانی، حالتی است که گسیختگی اجتماعی به صورت حاد در یک نظام اجتماعی وجود دارد. در نتیجه، مشکل اجتماعی که بر اثر نابسامانی اجتماعی غالب می شود، به دلیل نقص های تکنیکی و ابزاری موجود در نظام اجتماعی است. در چنین وضعیتی، نظام به حالتی در می آید که به واسطه نقص در رفع نیازهای کارکردی، کمتر از حد واقعی خود، کارآیی دارد. ترکیبی از اشتباه ها در ساخت هنجاری یک نظام اجتماعی که بی سازمانی اجتماعی نامیده می شود، نمایان گرد نارسایی در ارضای نیازهای کارکردی نظام است. در این صورت، یا الگوهای اجتماعی رفتار - در اثر اجتماعی شدن ناقص اعضا- از بین می رود یا تنش های شخصی که به دلیل زندگی در نظام اجتماعی به وجود می آید، به اندازه کافی توسط فرآیندهای اجتماعی، مهار یا رفع نمی شود. یکی از منابع بی سازمانی، وجود نارسایی ها و وقفه هایی است که در کانال های ارتباطی مردم در یک نظام

---

<sup>۱</sup> - Disorganization

اجتماعی - کشور، محله یا انجمن - پدید می‌آید؛ مردمی که تابع رابطه متقابل الزامات اجتماعی و خواسته‌های فردی هستند. قطع خطوط و جریان ارتباطات، ناشی از وضعیت ساخت پایگاه، گروه‌ها و قشرهای اجتماعی است که نه تنها منافع و ارزش‌های آن‌ها متفاوت بلکه ناسازگار است. بی‌سازمانی اجتماعی در این وضعیت، تقویت می‌گردد؛ زیرا اگرچه مدام طبق نیازمندی‌ها و هنجارهای موقعیت خاص خود در جامعه زندگی می‌کنند، اما ممکن است دارای اهداف متقاطع باشند (میلسن و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۴) یک کارکرد جنگ نرم این است که در کانال‌های ارتباطی افراد وقفه ایجاد کند. مردم که عامل اصلی وفاق و همبستگی خود را دچار اختلال می‌بینند، در ارتباط با هم به مشکل بر می‌خورند و امنیت اجتماعی آن‌ها دچار اختلال می‌شود.

### بند چهارم: از خود بیگانگی

از خود بیگانگی<sup>۱</sup>، حالتی است که موجب می‌شود انسان از خود دور شود و کیفیات و حالات دیگری را به جای واقعیت و حقیقت خود بنشاند. حالتی که در آن شخصیت واقعی انسان زایل می‌شود و شخصیت بیگانه در آن حلول می‌کند، از نظر جامعه‌شناختی، به معنی گسست فرد از دیگران و مترادف با بیزاری در احساس و جدایی فرد از دیگران، کشور، کار یا خداست (ستوده، ۱۳۷۲: ۵۰). از خود بیگانگی، آزادی افراد جوامع توسعه نیافته را در مقابل نظام جهانی سرمایه داری، محدود می‌سازد. با توجه به ویژگی حساب‌گری، غیراحساساتی و ماشینی شدن و با غلبه غرب‌گرایی و مصرف‌گرایی بر زندگی انسان، فردیت و آزادی او به خطر می‌افتد و پول به طور همزمان، منبع آزادی و از خود بیگانگی انسان می‌شود. در چنین شرایطی، فرد با

<sup>۱</sup> - Alienation

«خود» و «جامعه خود» بیگانه می شود. گویی انبوهی از بیگانگان، برای نفع شخصی، مجبور به تعامل اجتماعی شده اند که این مساله به نوبه ی خود، بیگانگی را دامن می زند. توسعه اقتصاد پولی و گسترش حسابگری، رقابت را تشدید و انفراد «فرد» را تقویت می کند و انزوا و از خودبیگانگی او را به دنبال دارد. (لرنی، ۱۳۸۳: ۲۶۶) زمانی که ارتباط من اجتماعی<sup>۱</sup> فرد با محیط اجتماعی او ضعیف شود، فرد از خود، بیگانه می شود. این از خود بیگانگی دارای سه وجه است: ۱- انزوای اجتماعی؛ ۲- احساس بی قدرتی؛ ۳- بی هنجاری (بخارایی، ۱۳۸۶: ۲۸۷). از خود بیگانگی غیراز به حاشیه راندن افراد و گسترش انزوای طلبی در جامعه، با هنجارشکنی خود باعث مسائلی چون عدم رعایت ارزش های جامعه، ترویج فرهنگ بیگانه، رواج مصرف گرایی و تحمیل هزینه های غیرضروری بر خانواده ها و دولت است. یکی از کارکردهای جنگ نرم نیز این است که با بیگانگی فرد از جامعه، موجبات نارضایتی او فراهم آید و مشکلاتی در جامعه به وجود بیاید که امنیت اجتماعی، دچار خدشه شود.

### بند پنجم: ناهنجاری

مفهوم آنومی<sup>۲</sup> اشاره به وضعیت بی قاعدگی، ناهنجاری یا بی هنجاری<sup>۳</sup> دارد که در این شرایط، افراد قادر نیستند براساس نظامی از قواعد مشترک، ارتباط متقابل برقرار کنند و نیازهای خود را ارضا نمایند. در نتیجه، نظم فرهنگی و اجتماعی از هم می پاشد. آنومی به معنای خلاء اخلاقی، تعلیق قواعد و بی قانونی است. در چنین شرایطی با یک بحران اجتماعی، وضعیت تعادل جامعه برهم ریخته و ناهنجاری گسترده به وجود می آید که جامعه با مشکل اختلال در هنجارها

---

<sup>۱</sup> Social Self

<sup>۲</sup> - Anomie

<sup>۳</sup> - Norm Lessees

موجه است (محبوبی منش، ۱۳۸۱: ۱۳۷) ناهنجاری، دلالت بر وضعیتی دارد که در آن هنجارهای اجتماعی که سلوک فردی را نظم می بخشد، در هم شکسته یا تاثیر خود را به عنوان قاعده رفتار از دست داده باشد. بی هنجاری اگر بیش از حد گسترش یابد، دامنه وسیعی از شرایط اجتماعی و حالت های روانی را شامل می شود. نابسامانی شخصی، آشفتگی فرهنگی، بی اعتمادی متقابل و مانند آن، از جمله این موارد است (فاضل و میری آشتیانی، ۱۳۸۷: ۱۲) طرف مهاجم در جنگ نرم در پی این است که قواعد جامعه هدف را که باعث شکل دهی به هنجارهای جامعه می شود از هم گسیخته کند تا باعث آشفتگی در نظام اجتماعی شود. در جنگ نرم تلاش می شود تا از طریق تضعیف نظام فرهنگی جامعه، باعث تضعیف نظام هنجاری آن شود؛ زیرا در صورتی که نظام هنجاری جامعه با مشکل مواجه شود جامعه دچار اختلال می گردد و امنیت اجتماعی با مشکل مواجه می شود.

### بند ششم: شکاف نسلی

تمایز با شکاف نسلی<sup>۱</sup> به معنی تفاوت های معرفتی، بینشی، گرایشی، ارزشی و رفتاری میان دو نسل با وجود پیوستگی های کلان متاثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است (فاضل و میری آشتیانی، ۱۳۸۷: ۱۴). مساله ای که در تمایز نسلی مورد توجه است، شکاف در ارزش های مورد پذیرش نسل های مختلف است. مجموعه ارزش هایی که برای یک نسل اهمیت دارد، در صورتی که با جامعه پذیری صحیح به نسل بعدی آن جامعه منتقل و پذیرفته نشود، تضعیف می گردند و تفاوت یا تضاد بینشی، گرایشی، ارزشی، اخلاقی و رفتاری دو نسل، عامل پیدایش انحرافات و مسایل اجتماعی می شود. وقتی یک نظام اخلاقی و رفتاری

<sup>۱</sup> - Clothing Retailer

مورد تفسیر و تهدید قرار گیرد یا در مرحله تجزیه واقع گردد، افرادی که نظام مزبور حافظ منافع آن هاست در جلوگیری از تفسیر آن کوشش می کنند و در مقابل عده زیادی خواستار دگرگونی آن می شوند. در نتیجه، بین دو گروه اجتماعی برخورد و ستیز، در می گیرد و زمینه مساعد برای پیدایش انحرافات اجتماعی پیدا می شود. ارتباط و وابستگی متقابل امور اجتماعی موجب می شود که یک مساله اجتماعی به پیدایش مسائل اجتماعی دیگر کمک کند (شیخاوندی، ۱۳۷۲: ۱۷۲). جنگ نرم با گسست در نظام ارزشی و رفتاری نسل های مختلف جامعه هدف، باعث نوعی تمایز نسلی در بین افراد جامعه می شود که ادامه این روند باعث اختلالات در جامعه می شود و امنیت اجتماعی را با مشکل مواجه می سازد.

### **بند هفتم: تقلیل سرمایه اجتماعی**

سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup>، مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش هاست که اعضای جامعه در آن سهیم هستند (فاضل و میری آشتیانی، ۱۳۸۷: ۱۴) در صورت تقلیل این سرمایه، قوام و پایداری جامعه صدمه می بیند. جنگ نرم از طریق زیر سؤال بردن ارزش های جامعه، باعث کاهش سرمایه اجتماعی افراد در جامعه شده و در این حالت، امنیت اجتماعی با مشکل مواجه می شود. همین اساس بود که پیامبر (ص) با الهام الهی، باطن معاویه را شناخته و طبق نص صریح اهل سنت بارها او را مورد لعنت و نفرین قرار داده و محشورشان در قیامت بر غیر امت اسلام را برای او پیش بینی کرده است. بنابراین، از دیدگاه علی (ع) دشمن همیشه در کمین است و تا فرصت به دست آورد، حمله ور می شود.

---

<sup>۱</sup> - Social Capital

## نتیجه گیری

در نهایت و در جمع بندی پایانی پژوهش حاضر باید گفت امروزه با توجه به وسعت دنیای ارتباطات و فن آوری های اطلاعاتی و گسترش رسانه های اینترنتی و مجازی، تهاجم کشورهای استکباری از حالت جنگ نظامی و سخت (Hard war) خارج و به جنگ نرم (soft war) تغییر ماهیت داده است. در جنگ نرم تصویری شکست خورده، ناامید و مأیوس از حریف ارائه می شود و در مقابل، مهاجم با نمادسازی و تصویرسازی و خود را پیروز و موفق نشان می دهد و در اینجاست که عملیات روانی با توانی فوق العاده صورت می گیرد. همچنین با نگاهی به جریان شناسی جنگ نرم می توان گفت که این شیوه ی جنگی، از دیرباز مورد استفاده قرار گرفته و همواره از سوی انسان ها در جنگ ها به عنوان یک سازوکار موثر مورد توجه بوده است. تنها تفاوتی که می توان در میان جنگ های نرم در دوران گذشته و عصر معاصر یافت، تفاوت در ابزارها و روش های آن است و اصولاً بهره گیری از هر نوع ابزاری در جنگ نرم بر این پایه و محور قرار می گیرد که بر اندیشه و احساسات مخاطب تاثیر گذاشته و او را مرعوب خود می سازد و مخاطب بی آن که واکنشی از خود نشان دهد، تسلیم دشمن شده و یا در مسیر خواسته های او گام بردارد. دشمن در جنگ نرم تلاش دارد با استفاده از ابزارهای فرهنگی و ارتباطی پیشرفته و با شایعه و دروغ پراکنی و استفاده از برخی بهانه، میان آحاد مردم تردید، بدبینی و اختلاف ایجاد می کند. راه های مقابله با جنگ نرم در اسلام عبارت از (اصل استماع، اصل تبیین، اصل تولی و تبری، اصل عدم دوستی با کفار، اصل وحدت، اصل امر به معروف و نهی از منکر، اصل عدم وابستگی، اصل شناخت حق، اصل ولایت فقیه) است. در نهایت و جمع بندی پایانی می توان پیشنهادات زیر را در راستای مقابله با جنگ نرم در حوزه تبلیغات و پیامدهای آن ارائه داد:

۱. تبیین ماهیت، نقش، جایگاه و اهمیت ولایت فقیه در ساختار حکومت اسلامی بعنوان قدرت نرم نظام؛ تشریح اهمیت پابندی و پشتیبانی از ولایت فقیه برای جلوگیری از آسیب به نظام اسلامی و مقابله با تلاش دشمن در تضعیف ولایت فقیه.

۲. شناساندن «معیارها» و «میزان» ها در فراز و نشیب حوادث و «فتنه» ها برای گم نکردن «راه» و شناساندن «حق» بعنوان ملاک داوری؛ در نشریات، ویژه نامه ها، مقالات و سایر محصولات سمعی و بصری.

۳. افشای اهداف دشمن در جنگ نرم، بویژه در جنگ رسانه ای و تبیین سهم رسانه های وابسته در حوادث سالهای اخیر در نشریات سازمانی، فیلم های مستند و سایر محصولات هنری.

۴. افشای ماهیت چهره ها و گروه هایی که از آغاز با انقلاب اسلامی، خط امام و ولایت فقیه ناسازگاری و ستیز داشتند و بیگانه ای در لباس خودی بوده اند به نسل جوان ناجا، در محصولات فرهنگی، صوتی و تصویری و هنری.

## منابع و مآخذ

قرآن کریم و بعد ....

## الف) منابع فارسی

- احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۵۹، چاپ محمود فردوس العظم، دمشق ۱۹۹۶.
- اربسکلاو، مایکل، جنگ اطلاعات (چگونه از حملات سایبری در امان باشیم) مترجمان: علی ناصری، عبدالمجید ریاضی، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۷.
- امینیان، بهادر، آمریکا و ناتو: پایایی و گسترش ناتو و هژمونی آمریکا، تهران، دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۸۶.
- ایگلتون، تری، ایده فرهنگ، ترجمه علی ادیب راد، تهران، انتشارات حرفه هنرمند، ۱۳۸۶.
- بایمن، دانیل و دیگران، آینده محیط امنیتی در خاورمیانه (تغییر رهبری. اصلاحات اقتصادی و انقلاب اطلاعات)، مترجمان: ناصر قبادزاده، علی گل محمدی، عسگر قهرمانپور، فرزاد میراحمدی؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶.

- جعفرپور، محمود، قدرت نرم: درآمدی بر جنگ های رسانه ای و رایانه ای، مجموعه مقالات برگزیده همایش بسیج و قدرت نرم، جلد ۱، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۷.
- جمعی از نویسندگان، جنگ در پناه صلح، بررسی فرایندهای نوین براندازی در ایران، قم، موسسه اطلاع رسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
- حسینی، حسن، طرح خاورمیانه بزرگ تر: القاعده و قاعده در راهبرد امنیت ملی امریکا، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳.
- دیویس، استانلی، مدیریت فرهنگ سازمان، ترجمه: ناصر میرسپاسی، تهران: نشر مروارید، ۱۳۷۳.
- رابرتسون، رونالد، جهانی شدن، ترجمه کمال پولادی، نشر ثالث، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
- راثین، اسماعیل، حقوق بگیران انگلیس در ایران، انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۶۲.
- زرشناس، شهریار، اشاراتی درباره لیبرالیسم در ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۸۷.
- ساندرس، فرانسیس استونر، جنگ سر فرهنگی؛ ترجمه: بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب شناسی، تهران، انتشارات غرب شناسی، ۱۳۸۲.

- ستوده، هدایت الله، مقدمه ای بر آسیب شناسی اجتماعی، تهران: نشر آوای نور، ۱۳۷۲.
- سیف، احمد، جهانی کردن فقر و فلاکت (استراتژی تعدیل ساختاری در عمل)، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۸۰.
- شارپ، جین و رابرت هلوی، جامعه ی مدنی، مبارزه ی مدنی، نسخه ی الکترونیکی.
- شریفی، احمد حسین، «موج فتنه از جمل تا جنگ نرم» تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۸ ش.
- شریفی، احمد حسین، جنگ نرم، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.
- طبرسی، حسین فضل، مکارم الاخلاق، مترجم: میرباقری، نشر: قمسال، تهران: ۱۳۸۲.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، دار التراث، بیروت، چاپ دوم، ۱۹۶۷ م.
- طلاس، مصطفی، پیامبر و آیین نبرد، ترجمه: حسن اکبری مرزناک، مؤسسه انتشارات بعثت.
- طهطاوی، سید محمد، غروب آفتاب در اندلس: علل انحطاط حکومت مسلمانان در اسپانیا، دارالصادقین، تهران، ۱۳۸۱.

- عبدالله خانی، علی، رویکردها و طرح های آمریکایی درباره ی ایران، ابرار معاصر، تهران، ۱۳۸۵.
- العوینی، محمدعلی، امپریالیسم تبلیغاتی، ترجمه: محمد سپهری، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹.
- فاضل، رضا، میرآشتیانی، الهام، آسیب های اجتماعی ایران؛ نگاهی به آینده، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷.
- قربانی گلشن آباد، محمد، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، تهران: سازمات عقیدتی سیاسی ناجا: ۱۳۹۰.
- کال، جی، دیپلماسی عمومی (جمعی از مترجمان)، تهران: دانشکده و پژوهشکده اطلاعات و امنیت سپاه، ۱۳۸۷.
- کلینی، یعقوب، اصول کافی، ج ۱، چاپ اسلامی، ۱۳۸۸.
- کرمی، مسعود، قابلیت های بسیج و سرمایه اجتماعی؛ مجموعه مقالات قدرت نرم؛ جلد دوم؛ پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، ۱۳۸۷.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۹، انتشارات موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع)، ۱۳۸۲.
- منصوری، جواد، استعمار فرانو، نظام سلطه در قرن بیست و یکم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵.

- موسوی خمینی، روح الله، صحیفه‌ی امام، ج ۲۱، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، بیتا.
- موسوی، سیدرضا، عقل و مشروعیت سیاسی از نظر ماکس و وبر و هابرماس؛ کیهان فرهنگی، ش ۱۳۲-۱۳۱، ۱۳۸۶.
- نائینی، علی محمد، بررسی ابعاد و حوزه‌های تاثیر تهدیدهای نرم آمریکا علیه ایران، فصلنامه‌ی راهبرد دفاعی، سال هفتم، شماره‌ی بیست و پنجم، ۱۳۸۸.
- نائینی، علی محمد، قدرت و تهدید نرم در مطالعات امنیتی، مجموعه مقالات قدرت نرم، جلد اول، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، ۱۳۸۷.
- نصر بن مزاحم، وقعه‌ صفین، چاپ دوم، قم مشورات مکتبه‌ آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
- نویدنیا، منیژه، درآمدی بر امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۱۹، بهار ۱۳۸۲.
- واحد مطالعات و تحقیقات تاریخی و فرهنگی، سیر تفکر جدید در جهان و ایران، انتشارات هلال، ۱۳۸۶.
- ورنر، سورین، جینر، تانکار، نظریه‌های محورهای ارتباطات، ترجمه علی رضا دهقان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

## ب) منابع لاتین

- *Arweck, Elisabeth (2019). Researching New Religious Movements Responses and Redefinitions, London & New York: Rutledge.*
- *Berger, Peter (Fall 1997), Four Faces Global Culture, National Interest, Issue 46.*
- *Beener, Lionel (2021). U.S. Soft Diplomacy in Iran, <http://www.cfr.org>, Publication 17, Feb 2006*
- *Craig, Elijah (2010), Imperialists seek war with Iran, <http://theredphoenix.wordpress.com>, 072010/02/.*
- *Donovan, G. Murphy (2022). Soft Power and No plan for Iran <http://www.americanthiner.com>, 42010.*
- *Fazio, R, Social Changes and Population, The Journal of Social Science, 2007.*
- *Federation of American Scientists, (2009). Intel Budget Discourse and the Myths of Security, [www.Far.org](http://www.Far.org).*
- *Joseph .S. Nye, Soft Power: the means to Success in World Poliics, New York: Public Affairs, 2004.*
- *Journal of Sociology, «Muslim Societies and psyological Warfare» f.D.Kassin.et al.-2, 2017.*
- *Kagan, Robert. It's the Regime stupid, Washington post 29, Jan, 2006.*
- *Rabasa ,Angel, Cheryl Benard, Lowell H.schwartz, Peter deckle, Building moderate Muslim networks, 2007.*

- Warren, Nelson (2015). *U.S. Congress dumps Iran "soft war" Funds*, [http:// findarticles.com](http://findarticles.com).